اسلام در مدارس آلمان

فلاطوری، عبدالجواد

خوشوقت از آنم که در این لحظه به یارى خداوند مى‏توانم بشارت به ثمر رسیدن پروژه اصلاح کتب درسى مدارس آلمان غربى را در مورد آموزش و عرضه اسلام به دانش آموزان دبستانى و دبیرستانى و مدارس حرفه‏اى، به حضورتان عرض کنم:اولین ثمره پژوهش 5 ساله آکادمى علمى اسلامى کلن که در این ایام به عالم فرهنگ این سامان تقدیم گشته است 2 جلد از 6 مجلدى که حاوى کل اصلاحات است مى‏باشد.یکى تحلیل جمیع کتب تدریس تاریخ در مورد موضوع اسلام و دیگرى تحلیل جمیع کتب تعلیمات دینى پروتستانت در مورد موضوع اسلام.

امید که به عون الله مابقى مجلدات نیز در همین سال میلادى از چاپ خارج گردد.

چیزى که در اینجا باید تذکر داده شود این است که-بنا به شرحى که در آخر این گزارش خواهد آمد- علاوه بر اهمیتى که اصل خود این پروژه و پژوهش براى اسلام و فرهنگ غرب دارد، عاملى که به جلوه‏گرى خاص این پروژه در انظار خاص و عام اهالى این کشور افزوده این است که آکادمى موفق شد پس از ماهها تلاش و تحمل مرارت و به کار بردن ارتباطات دانشگاهى با تحمل هزینه هنگفتى، این کتب را در سلسله انتشارات معتبرترین و رسمى‏ترین انستیتوى بین‏المللى تحقیق کتب درسى منتشر ساخته به آنها رسمیت و حجت ببخشد.

اسلام در مدارس آلمان و اقدامات آکادمى علمى اسلامى

الف:اسلام در کتب درسى مدارس آلمان و جمیع وسایل تعلیماتى براى دانش آموزان آلمانى مسیحى و غیر مسیحى

اسلام در کتب تعلیمات دینى کاتولیک و پروتستانت

اسلام در کتب تاریخ، جغرافیا

اسلام در کتب سیاسى و اجتماعى

اسلام در کتب آیین‏نامه‏هاى مدارس

اسلام در کتب راهنماى آموزگاران و دبیران

اسلام در کتب دانش آموزان

اسلام در کتب فیلم‏ها و اسلایدهاى آموزشى.

تا قریب بیست سال پیش صحبتى که از اسلام در کتب درسى به میان مى‏آمد نسبتا مختصر و اکثرا منحصر به موضوعات خاصى از قبیل جنگهاى صلیبى و یا زد و خورد با ترکان و یا آثار هنرى اسلامى در اسپانیا و کم و بیش نیز مرتبط با شخصیت پیغمبر اکرم ص و مقایسه اسلام با مسیحیت بود.محدودیت دیگرى نیز که در برخورد با دین اسلام مشهود بود، این بود که درصد کمى هم از کتب فوق الذکر که مى‏بایستى سخنى از اسلام به میان آورده باشد غالبا آنرا مسکوت مى‏گذاشتند یا با ذکر چند جمله-مثلا در مورد جنگهاى صلیبى-از آن مى‏گذشتند و تازه آنچه هم با تمام این محدودیتهاى کمى و کیفى ذکر مى‏شد، سرا پا ناقص و نادرست بود.

تقریبا از بیست سال به این طرف است که اندک اندک ولى بطور سعودى توجه به اسلام در مدارس به علل خاصى موضوعیت پیدا کرده است.از جمله این علل یکى وجود بیش از 5/1 میلیون ترک متدین به اسلام در آلمان و قریب 600 تا 700 هزار دانش آموز مسلمان در مدارس این کشور، و دیگرى تحولات سیاسى و اجتماعى در ممالک اسلامى در دهه‏هاى اخیر بخصوص انقلاب اسلامى ایران است که هر دو محور اصلى اقدامات فرهنگى از طرف دولت آلمان بخصوص در مدارس گردیده است.

آنچه درباره اسلام در این کتب گفته مى‏شود، جنگى است از مطالب صحیح و سقیم که با تعبیرات صادقانه و یا مغرضانه مخلوط مغلوطى تحویل دانش‏آموز مى‏دهد.بطورى که وى در طول مدت دوره چندین ساله مدرسه، رفته رفته و گام به گام در مجموع، شکل و صورت سخیف، منحرف، مغلوط و پر از جسارت به اسلام در ذهنش خواهد ساخت.پایه وجودش ساخته‏اى خواهد بود از تحقیر اسلام و مسلمین و یا احیانا از اعتقاد به عقب افتادگى، بربریت، قساوت، آشفتگى، ضد حقوق انسانى بودن مسلمانان.

مجموع تصورى که این کتب از اسلام به دست مى‏دهد و یا تک تک اظهاراتى که چنین مجموعه‏اى را به مرور و قدم به قدم مى‏سازد، چنان جسارت آمیز است که جان و روان هر مسلمان صادق و پاکدلى را آتش مى‏زند.

با استعاذه به درگاه الهى نمونه‏اى از آن در اینجا یاد مى‏شود:

پیغمبر اکرم اسلام صلى الله علیه و اله را تصریحا یا تلویحا یتیم فقیرى ذکر مى‏کنند که از گوسفند چرانى، به شتربانى و از آن به قافله سالارى رسیده، با حسابگرى خاصى به زن ثروتمندى دست یافته، اندیشه‏هایى مأخوذ از افکار یهود و نصارى و بت‏پرستان عرب را از سر زیرکى به هم بافته.آنها را به اسم دین جدید و تعلیمات تازه در کتابى به نام قرآن جمع‏آورى نموده است.چون براى انتشار این مکتب نیاز به عده وعده داشته، از راه قافله‏زنى و راهزنى تأمین نیازمندى مالى خود و همراهان را نموده با حیله و شیوه‏هایى مردم زیادى را جلب آیین خود کرده است به این معنى که به آنها تلقین نموده اگر در راه این دین به نبرد با مخالفان«کفار»بپردازید، یا در نبرد کشته مى‏شوید که به عنوان شهید یکسر به بهشت خواهید رفت و در صورت زنده ماندن با دست یافتن به غنائم و اموال دشمن مغلوب ثروتمند خواهید شد.این دو وعده و نیز تلقین این مطلب که مرگ به دست خداست، اگر او بخواهد بدون هیچ سببى خواهى مرد و اگر او نخواهد در مقابل صدها دشمن جان سالم به در خواهى برد، جرأت و شجاعت زیاده از حدى در اعراب مسلمانى که خواه ناخواه زندگى آنان از راه جنگ و دزدى و راهزنى و غنیمت و یغما اداره مى‏شد، ایجاد نمود و محمد ص سرانجام توانست از این راه لشگر و قدرتى عظیم به وجود آورده و در زمان کوتاهى با آتش و شمشیر بر مسیحیان و یهودیان و سایر ساکنان جزیرة العرب غالب گردد و همین قدرت بود که بعد از مرگ آورنده اسلام به رقابت با مسیحیت برخاست و نه تنها بر زمینهاى وسیعى استیلا یافت بلکه با همان آتش و شمشیر قلمرو مسیحیت را تا حد زیادى تحت سلطه خود در آورد، مسیحیان را کشت و یا به زور، اسلام را بر آنان تحمیل نموده ریشه کلیساها را در آن اراضى برانداخت، در نتیجه:

دین عرب، دین قساوت خداى قهار انتقام‏گر بر دین رأفت و مهر یعنى دین عیسى ع که زاییده و مولود محبت الهى است غالب گشت.خطر اسلام از آسیا به اروپا تجاوز نمود یعنى از طرفى اسپانیا تا حدود کشور فرانسه به دست اعراب افتاد و از طرف دیگر قسمت شرقى و جنوبى اروپا تا دروازه شهر وین تحت سلطه ترکان قرار گرفت یا پیوسته از طرف آنان تهدید مى‏شد، تهدیدى که بالمال شامل تمام اروپا بود.

قدرت نمایى اروپاى مسیحى در بعضى از جنگهاى صلیبى که منجر به پس گرفتن زمین قدس مسیحیت یعنى سرزمین تولد و موت عیسى، زاده خدا گردید، کوتاه بود.باز آن سرزمین به دست بى‏دینان (منظور مسلمانان)افتاد.

خدا خواست که بالاخره مسلمانان عرب از اسپانیا رانده شدند و ترکان مسلمان رفته رفته به عقب نشینى و از دست دادن اراضى غصب شده از طرف ؟؟؟ان ناگزیر گشتند.

بعد از جنگ جهانى اول عملا ترکیه خود را از اسلام دست و پاگیر نجات داد، با تعویض خط و تبدیل شرع اسلامى با قانون اروپایى، شیوه اروپاى مسیحى را پذیرفت و با این وصف سرزمین مسیحیان(بیزانس)که ؟؟؟؟ چهارده قرن قبل به مرور از دست مسیحیان گرفته شده بود باز تحت نفوذ اروپاى مسیحى قرار گرفت، کما اینکه ممالک دیگر اسلامى نیز کم و بیش به گردن نهادن به این نفوذ علمى و معنوى و حقوقى و سیاسى ناگزیر گشتند، عملا اسلام به حیات خود خاتمه داد، خیال اروپاى مسیحیت از رقیب سرسخت راحت شد، چون مرده تلقى گشت.ولى باز ناگهان و بطور غیر مترقبه‏اى اسلام پا به عرضه نهاد و در صدد تجدید حیات برآمد و ناقوس خطر از دورادور به گوش مى‏خورد، باید از حالا آماده مقابله بود و با تمام قوا از قدرتمند شدن آن جلوگیرى نمود.بزرگترین نمونه خطر انقلاب اسلامى ایران است، گر چه مسلمانان به خاطر پایبند بودن به اسلام و اعتقاد به قضا و قدر قسمت، فاقد فعالیت علمى و عملى گشته و جزء عقب افتاده‏ترین اقوام جهان قرار گرفته‏اند ولى از تعصب خطرناک و کورانه آنان نباید غافل ماند.

این بود نمونه‏اى از مجموع تصورى که از اسلام براى دانش آموزان از دوره دبستانى تا دبیرستانى پله به پله ساخته و پرداخته مى‏شود، بطورى که فرد ساخته شده با این طرز اندیشه خواه ناخواه مثال زنده آن افراد مستکبرى خواهد شد که به خود حق سیادت، حق استعمار و حق استثمار انسانهایى را مى‏دهند که به خاطر فرو رفتن در خرافاتى به نام دین هرگز به پایه والاى او نخواهند رسید.بنابراین استعمار و استثمار نه تنها امر بدى تلقى نمى‏گردد بلکه حتى یک نوع کمک یک نوع زیر دست وبال گرفتن این سیه‏روزان عقب افتاده به حساب مى‏آید.

البته این توضیح به این معنى نیست که این طرز بیان و تبیین اسلام در کتب با این نتیجه نامیمونى که از آن حاصل مى‏گردد، طبق برنامه معینى براى وصول به چنین هدفى صورت مى‏گیرد، نه بلکه امر بدتر از این است یعنى ساختمان فکر غربى مسیحى و روند تاریخى آن با برخوردهایش به اسلام اساسا یک چنین طرز اندیشه‏اى را به وجود آورده و شاید واقعا اغلب برنامه‏ریزان و یا مؤلفان کتب با اطمینان به اینکه با دیدى واقع بینانه و انسانى عمل و اندیشه مى‏کنند عقیده این چنانى خود را که محصول حیات فرهنگى غرب است، به صورت بخشى از کتاب خود تحویل نسل آینده خود مى‏دهند و به همین دلیل هم خوشبختانه عده زیادى از همین مؤلفان همین که به اغلاط خود آگاه گشتند، آمادگى خود را براى اصلاح آن نشان مى‏دهند.

اقدام آکادمى علمى اسلامى در این مورد

این واقعیت و هم، وابستگى اقتصادى غرب به ممالک عربى و نیاز به حسن روابط با کلیه ممالک اسلامى و نیز وجود قریب دو میلیون مسلمان-از ممالک مختلفه اسلامى-در آلمان، با توجه باینکه 600 تا 700 هزار نفر آنها دانش آموزند.زمینه مناسبى براى پذیرفتن اقدام آکادمى در مورد تصحیح تمام کتب درسى در رشته‏هاى مذکور فوق گردید، چون وجود اتهامات در کتب درسى نسبت به اسلام عملا منجر به مشاجره بین مسلمانان و آلمانیها شده، تشنج اجتماعى نامحمودى با عواقب خطرناکى از جمله بهانه دادن به مخالفان نظام سیاسى و اقتصادى آلمان به همراه خواهد آورد کما اینکه نمونه‏هایى از آن به وقوع پیوسته است.

وحشت از به وجود آوردن یک چنین بلواى اجتماعى و سیاسى ناشى از کتب درسى تمام مقامات مسئول را وادار به این کرده که این امر تحقیقى را بپذیرند، مشروط بر اینکه از لحاظ ملاک، شیوه و متد، رعایت آخرین و تازه‏ترین ریزه کاریهاى علمى در آن شده باشد.

ملاک عمل

ملاک عمل در تصحیح کتب این اصل است که هیچ کلمه، جمله و اظهارى درباره اسلام که در این کتب آمده اجازه ندارد و نباید احساس دینى هیچ مسلمانى را جریحه‏دار کند و به عبارت دیگر هر مسلمانى باید خود را در این جملات و اظهارات بیابد بدان گونه که گویى اظهار خود او بوده است.

مشکلاتى که در راه انجام این کار تحقیقى وجود دارد عبارت است از:

1-کثرت کتب درسى، چون در آلمان 11 وزارت فرهنگ است و هر حومه فرهنگى داراى لااقل 5 نوع مدرسه با درجات مختلف است، که هر کدام کتاب درسى مربوط به خود را دارند.به تمام این کتب که از 400 متجاوز است برنامه و آئین نامه‏هاى الهام بخش به مؤلف و معلم و نیز کتب راهنمایى براى معلم و دانش آموز اضافه مى‏گردد، مضافا بر اسلاید و فیلم و متون مربوط به آنها.حل این مشکلات با تقسیم کار بین متخصصان عالى رتبه علمى 6 نفرى صورت گرفته است.

2-شیوه تحقیق، مشکل دیگرى را تشکیل مى‏دهد، از این رو که تحقیق کتب درسى در فنون مختلف متد مربوط به خود را داشته، به اینکه ما جمله‏اى را بگیریم و بگوئیم این غلط، و صحیح آن این است، نه کار تحقیقى انجام شده و نه کسى مى‏پذیرد و نه وزارتخانه‏هاى فرهنگ بر آن وقعى مى‏گذارند.

حل این مشکل با تشریک مساعى بیش از 40 پروفسور متخصص در آموزش رشته‏هاى نامبرده و تمام انستیتوهاى مربوط به تحقیق کتب درسى از طریق برگزارى سمینارها و مقرر کردن شیوه تحقیق‏

صورت گرفته است.این اقدام بحمد الله سبب اعتماد مقامات به این عمل تحقیقى و به اینکه کسى در اینجا به قصد تبلیغ سوء و در صدد منحرف نمودن واقعیات نیست، شده است.

3-تعیین ملاک اسلامى این تحقیق و اینکه از کدام دید اسلامى و از طرف کدام فرد مسلمانى چنین ملاکى تعیین مى‏گردد، مشکل سوم را تشکیل مى‏دهد.

حل این موضوع با همکارى افراد مسلمان و مطلع از مذاهب و ممالک مختلف و نیز با بحث و گفتگو در جلسات متعدد صورت گرفته است.مضافا بر اینکه 98% مطالب موجود در کتب مربوط به مسائل مورد اتفاق مسلمانان مثل خدا، پیامبر اکرم ص، حوادث تاریخى و... مى‏باشد و در مسائل مورد اختلاف نظرهاى مختلف از دید صاحبان آن نظر رعایت مى‏گردد.بحمد الله تاکنون هماهنگى مسلمانان متخصص و صاحبان نظر از لحاظ شیوه و متد بسیار رضایتبخش بوده است.

طرز کار ما این است که پس از مشخص نمودن اغلاط به وسیله شروح و حواشى مجمع علیها نوبت تحلیل کتب با جدولهاى کیفى و کمى مى‏شود، پس از این تحلیل و نتیجه‏گیرى از آن در بخشهاى بعدى تک‏تک موضوعاتى که از آنها در کتب سخن به میان آمده، مورد بحث قرار مى‏گیرد، به این ترتیب صور مغلوط ذکر و رد مى‏شود و صورت صحیح آن از دیدگاه اسلام و مسلمانان ارائه مى‏گردد.تاکنون یعنى پس از 5/1 سال کار دسته جمعى لااقل بیش از 30 مسلمان و سایر متخصصان، 5 جلد از 8 مجلدى که محصول این کار تحقیقى است آماده شده مابقى آن به یارى خدا تا سه ماه دیگر حاضر خواهد شد که پس از تأیید صاحبنظران اسلامى چاپ خواهد شد.

مرحله دوم:

آنچه تا اینجا بیان شد مرحله اول تحقیق است، پس از پایان یافتن این مرحله نوبت به این مى‏رسد که بر طبق اصول تدوین کتب درسى در آلمان، محققان مسلمان با استمداد متخصصان فن-که از لحاظ شیوه نگارش و رعایت اصول تربیتى روان شناسى و جامعه شناسى-طرح تدریس اسلام در تمام کتب مربوطه یعنى در مورد رشته‏هاى فوق و آن هم در کلیه مدارس با اختلاف نوع رشته و سنوات تحصیلى به دولت ارائه و بر اساس آن کتب درسى تدوین گردد.به یارى خدا این مرحله دوم تحقیق کتب درسى را تشکیل مى‏دهد که عملا بدان اقدام شده است.محصول این مرحله نیز 5 مجلد در نظر گرفته شده است.

البته هدف اصلى نشر و اشاعه این کتب در حد وسیعى که شامل تمام مدارس و آموزگاران و دبیران و وزارتهاى فرهنگ و کلیه مراکز کلیسایى و فرهنگى شود، مى‏باشد.

با در نظر گرفتن اینکه در آلمان 8 هزار مدرسه با بیش از 20 هزار معلم در رشته فوق الذکر و 2 تا 3 هزار مرکز کلیسایى و فرهنگى مربوط به امور تربیتى وجود دارد و بیش از نیمى از این مقدار نیز در ممالک آلمانى زبان دیگر یعنى اتریش و سوئیس باید منظور شود، با در نظر گرفتن این واقعیت، باید لااقل از هر جلدى تا آن اندازه چاپ شود که بتوان در دسترس تمام مدارس و مراکز نامبرده قرار گیرد.

این موقعیت بى‏نظیرى در تاریخ برخورد اسلام و مسیحیت است که به اذن الله نصیب اسلام شده که اسلام بتواند به دست نظامى غیر اسلامى در مهمترین طبقه اجتماع یعنى دانش آموزان و مدارس و مراکز فرهنگى و کلیسایى خود را آن گونه که مسلمان احساس مى‏کند نشان بدهد، و ما علینا الا البلاغ، آیا بلاغى از این عمیق‏تر و وسیعتر و مؤثرتر و در عین حال بى‏سر و صداتر مى‏توان در نظر گرفت، کار خدایى است که تحولات اجتماعى و سیاستهاى داخلى این ممالک و بخصوص وجود مقامات فرهنگى با تفاهم، زمینه را براى انجام این وظیفه اسلامى و انسانى ساخته و پرداخته است.

شعاع اثرگذارى این کتب:

با توجه به اینکه بیش از 15 میلیون دانش آموز و دهها هزار متخصص و چندین صد هزار معلم از این کتب بهره مى‏گیرند و با توجه به اینکه به این تعداد هر سال میلیونها دانش آموز و معلم و متخصص تازه افزوده مى‏شود و با توجه به اینکه هر فردى جزیى از فامیلى است که حداقل تعداد افراد آن 3 نفر خواهند بود به این نتیجه مى‏رسیم که شعاع تأثیر این کتب در هر مقطع زمانى شامل بیش از 60 میلیون فرد غیر مسلمان خواهد بود.

خاتمه:آنچه تا اینجا به اختصار بیان شد، مربوط به اسلام در مدارس براى دانش آموزان آلمانى غیر مسلمان بود اسلام براى کودکان و دانش آموزان مسلمان خود بحثى است دیگر.

ب:تعلیمات دینى براى کودکان و دانش آموزان مسلمان:

با آمدن و ازدیاد برادران ترک به آلمان، وزارتهاى فرهنگ، ناگزیر به استخدام معلمان ترک زبان براى تدریس در مدارس شدند.علت این امر یکى آشنا نبودن کودکان و دانش آموزان آنها به زبان آلمانى و دیگرى لزوم تدریس زبان و فرهنگ ترکیه به آن کودکان بود که در وقت برگشت به میهن خود احساس بیگانگى نکنند. در هر حال در آن موقع صحبت تعلیم دین اسلام براى دانش آموزان مسلمان نبود، به ابتکار خود مسلمانان در مساجد و منازل مکتب براى تعلیم قرآن و امور دینى برپا شد که به مرور تعداد آن در سطح مملکت از هزاران متجاوز شد.همین که انقلاب اسلامى در ایران موفق شد، این وحشت در بعضى مقامات فرهنگى و کشورى پدید آمد که در این مکتبها قرآن تعلیم داده مى‏شود و قرآن صحبت از جهاد مى‏کند، مبادا که از راه این مکتبها به این ترتیب پایه‏هاى انقلاب اسلامى ریخته شود و کنترل از دست مقامات آلمانى بیرون رود.از این رو دولت به فکر تدریس اسلامى براى دانش آموزان بطور رسمى افتاد، تا پس از انجام آن جلوى مکتبها را بگیرد و یا آنها را برچیند، این کار مستلزم دو چیز بود، یکى تدوین کتاب تعلیم دینى متناسب با چهارچوب آموزش و پرورش و دیگر وجود معلمانى که شایسته تدریس دین مبین اسلام باشند.

-در مورد کتاب از چهار سال قبل هیأتى به وجود آمد که عبارت بود از یک خاورشناس 2 نفر دانشمند در رشته‏هاى ادیان یک فرد عرب و 3 معلم ترک و چند نفر متخصص برنامه‏ریزى مدارس و علوم اجتماعى.آکادمى صلاح خود ندید که در این هیئت شرکت کند چون احتمال این مى‏رفت که طبق نظر اکثریت تصمیماتى بگیرند که با اسلام موافق نباشد که در چنین صورتى ناگزیر اسم آکادمى در پاى تصمیمى قرار مى‏گرفت که مخالف رأى او بود و کارى نمى‏توانست در مقابل آن انجام بدهد، مضافا بر اینکه بعضى افراد از وجود آکادمى در آن هیئت وحشت داشتند و استدلال مى‏کردند که تعصب دینى آکادمى مانع پیشرفت مقاصد آنها خواهد بود.

در هر حال پس از 4 سال اکنون کتاب حاضر شده و در 40 مدرسه آزمایش مى‏شود که در صورت موفقیت آنرا به صورت کتاب درسى در سر تا سر آلمان پخش خواهند کرد و محتملا اگر بتوانند به بهانه اینکه دین اسلام در مدارس تدریس مى‏شود، مکتبها را خواهند بست.آکادمى از همان 4 سال قبل برادران ترک را متوجه این خطر کرد ولى متأسفانه ناآگاهى آنان به اوضاع آلمان، تفرقه و پراکندگى آنها، مانع این شد که اهمیت موضوع را درک کنند.

در عین حال آکادمى در حال حاضر در تلاش است که از راه نفوذ خود در وزارت فرهنگ این ایالات و هم از وجهه خود در بین اکثریت گروههاى برادران ترک استفاده کرده تا حد امکان از به وجود آمدن عواقب بد آن جلوگیرى کند و به این ترتیب، قبل از رسمى شدن کتاب، راهى براى شرکت دسته جمعى مسلمان در تصحیح و ترمیم و اسلامى کردن این کتاب پیدا کرده از عواقب بد آن که مسلما مطلوب مقامات آلمانى هم نخواهد بود جلوگیرى کند.

مسئله مهمتر، وجود معلمان شایسته براى تدریس تعلیمات دینى است.چون دولت در نظر دارد در تعلیمات دینى از همین معلمان ترک استفاده کند.این معلمان که اغلب رتبه آموزگارى دارند، تحصیلات خود را در ترکیه به پایان رسانیده‏اند و در مجموع حدود 10% آنها حائز پایان نامه مدارس وعظ و خطابه و یا دانشسراى تربیت معلمان و مربیان دینى مى‏باشند، 10% دیگر هم متدین و مؤمن هستند.تتمه آن یا در مقابل دین بى‏علاقه و لاابالى، و یا کمونیست و مخالف دین و یا کمالیست یعنى تابع طرز فکر کمال آتاتورک مى‏باشند.از آن 20% اول که به دین اسلام پایبندند به خاطر اینکه حقوق از دولت ترکیه مى‏گیرند و یا وحشت از آن دارند فقط مى‏خواهند راهى را بروند که«وزارت دیانت»ترکیه ارائه داده و مى‏دهد.مقامات آلمانى نیز سخت مایل به همکارى با دولت ترکیه در این زمینه هستند و سعى دارند راه و روشى را که اهداف ترکیه را تأمین مى‏کند، بر راه و روش سایر برادران ترک متعهد و متدین ترجیح دهند بویژه از این رو که این راه و روش هیچ نوع خطر انقلابى براى دولت آلمان به وجود نخواهد آورد.

اقدام اکادمى در این مورد:

آکادمى در تمام مواردى که امکان یافته به این امر اعتراض کرده و تا سر حد اقناع مقامات فرهنگى به آنها قبولانده که به تجربه دیده شده است که معلمان غیر معتقد در ساعت تعلیمات دینى صحبت از خدا و پیغمبر و قرآن مى‏کنند ولى در ساعت درسى دیگر این موضوعات را به مسخره مى‏گیرند و رد مى‏کنند، به طورى که سر و صداى والدین اطفال در آمده و در خواهد آمد و دولت درست به نتیجه‏اى مخالف و ضد هدفى مى‏رسد که در نظر داشته یعنى آرامش اجتماعى و جلوگیرى از آشوب و اغتشاش.

بر اساس این امر اداره آموزش و پرورش شهر کلن یکسال قبل سمینارهاى هفتگى براى آموزش دین به معلمان ترک ترتیب داد که اکثر آن از طرف آکادمى برگزار شد، متأسفانه نتیجه مثبتى نداشت، یعنى با اینکه تمام معلمان کلن و حومه در آن شرکت داشتند مع ذلک اکثرا براى اداى وظیفه ادارى مى‏آمدند نه به خاطر مسلمان شدن و یا مسلمان معتقد گشتن.

به خاطر اینکه از شرکت آکادمى در این تعلیمات سوء استفاده نشود و آنرا دلیل بر صحت کار خود نگیرند آکادمى از آنها فاصله گرفت و بر سر این پیشنهاد ایستادگى کرد که معلمان تعلیمات دینى باید حتما افراد متدین و مؤمن به دین باشند بنابراین تنها راه، تأسیس دانشسراى تربیت معلم براى تعلیمات دینى مى‏باشد.

آکادمى طرح دوره سه ساله تربیت معلم ریخت و با مقامات مربوط درباره آن به گفتگو نشست.اشکال مقامات آلمان فقدان بودجه‏اى است که براى این کار و هم بعدا براى استخدام معلمان دینى در مدارس مى‏باشد.

تنها راه کار این است که خود مسلمانان بودجه و بنیه مالى این امر را تهیه کنند.که به یارى خدا فعلا در صدد انجام آن یعنى گرفتن محل و پذیرش دانشجو مى‏باشد و براى اینکه از طرف دولت آلمان پذیرفته شود شرط پذیرش بعد از تدین به اسلام، آگاهى به زبان آلمانى و داشتن حداقل دیپلم مى‏باشد، بدون هیچ اختلاف قومى و زبانى و غیره.این دانشسراى تربیت معلم و تئولوژ(عالم دینى)شعبه تربیتى آکادمى علمى اسلامى خواهد بود.

و امیدوار است در بدو امر سالى 20 دانشجو پذیرفته و تربیت شود.

مشکل بعدى این است که دولت آلمان موافقت خود را با اینکه این معلمان به خرج خود مسلمانان به دانش آموزان خود تعلیمات دینى بدهند، رسما اعلام کند، امید است که خداوند خودش به تحقق بخشیدن این هدف یارى دهد.